چهار فرمان

دانش پژوه، محمد تقی

بررسی کتیبه‏ها و الواح سنگی و چوبی و گلی و گچی که در بناهای تاریخی‏ و مقابر و مزارات کنده یا نوشته شده است همچنین فرمانها و پروانچه‏ها و یرلیغ‏ها و امثله و اخطبه و احکام و نوشتجات دیوانی و طومارها و اسناد و بنچاقهای وقف‏ و خریدوفروش و بخشش و دیگر موضوعات اجتماعی نیز فتح‏نامه و مکاتبات درباری‏ و دیوانی و دوستانه و عارفانه و منشآت ادبی و نامه‏های منظوم را چندین فائده است:

1-اگر این مواد بطرزی علمی گردآوری شود میتوان تحول و تطور خط اسلامی و ایرانی را با آن دریافت.

2-تحول و تطور فن نویسندگی و انشاء در دو زبان عربی و فارسی با آن دانسته میشود.

3-دانستن طرز قباله‏نویسی و سجل‏نگاری.

4-تأثیر دو زبان فارسی و عربی در یکدیگر و همچنین ترکی.

4-وضع اداری و بورکراسی.

5-اصطلاحات دیوانی و دیپلماسی و اداری.

6-نحوه وقف و پیش‏بینی‏های اجتماعی برای رفاه عموم و وضع دادوستد و چگونگی اوضاع اداری و روش و رفتار کارکنان دیوانهای دولتی با مردم.

7-وضع اجتماعی مردم در زندگی عمومی و خصوصی مانند کشاورزی‏ و دام‏پروری و آب‏یاری و نام‏گذاری اشخاص و اماکن و اصناف و جز اینها.

8-نکات جغرافیایی و تحولی که در نامهای شهرها و دیه‏ها و رودها و کوهها رخ داده است.

9-حل و کشف بسیاری از نکات تاریخی که در کتب تواریخ نیست.

10-کشف اموری مربوط به وضع مالی و پولی در تمدن ایرانی و اسلامی‏ که در کتب متداول دیده نمیشود.

اینک چهار سند را در اینجا می‏بینیم:

1-فرمان ابو النصر بهادر بایندری(858-882)که عکس آن‏ در کتاب آثار ایران بزبان فرانسه جلد سوم جزو دوم چاپ پاریس 1947 ص‏ 203-206 در مقاله مرحوم خان ملک با شرحی بچاپ رسیده ولی متن آن جز چند سطری در آن به حروف نشر نشده است.بنوشته او از این فرمان برمیآید که خط تعلیق که در ایران و هند و آسیای مرکزی و ترکیه رسمیت داشته است پیش از خواجه اختیار به حد کمال رسیده بود.

این فرمان دربارهء شیخ الاسلام آذربایجان امیر سید رفیع الدین عبد الغفار طباطبائی کرمانی از سلسله شاه قاسم انوار است که سرگذشت او در روضات‏ الجنان و جنات الجنان کربلائی تبریزی(ص 214 و 556)آمده است.

در فرامین فارسی ماتناداران(ش 4 و5)هم دو فرمان از همین پادشاه می‏بینیم.

فرمان ابو نصر حسن بن علی بن عثمان بهادر بایندری یا اوزن حسن(858-882) مورخ 875

الحکم للّه ابو النصر حسن بهادر سیورمیز فرزندان اعزه دولت‏یار و امراء نامدار و وزراء عالی‏مقدار و حکام و و دیوانیان و گماشتگان آذربایجان و خاصه دار السلطنه تبریز بدانند که:درین‏ وفق از ابتداء توشقان‏ئیل،موضع دربند را از اعمال و تومان نواحی مع مال و متوجهات دیوانی آن سیورغال ابدی اعلی‏حضرت سیادت منقبت قدسی‏پناه‏ حقایق دستگاه هدایت شعار ولایت آثار مرتضی ممالک اسلام مرشد طوایف انام‏ المؤید من عند اللّه الملک الغفار سید رفیعالحق و الحقیقة و الطریقة و الدین‏ عبد الغفار خلد اللّه تعالی ظلال میامن ارشاد و برکاته فرمودیم و ارزانی داشتیم، و این حکم همایون نفذه اللّه تعالی یمن اصدار یافت تا حسب المسطور مقرر دانسته‏ موضع مذکور را به تصرف وکلا و گماشتهء حضرت مشار الیه گذارند و سیورغال‏ ابدی آن حضرت شناسند،و از مال و اخراجات و زواید و عوارض و سایر تکالیف‏ دیوانی معاف و مسلم و معین و مرفوع القلم دانند،و من جمیع الوجوه تعرص نرسانند و قلم و قدم و نظر و بصر کوتاه و کشیده داشته،از رعایای آنجا مطالبتی ننمایند، و این عارفه را انعام ابدی و سیورغال سرمدی آن حضرت شناخته،از شوایب‏ تعین مصون و مأمون دانند.کدخدا و رعایای قریهء مذکوره باید که مال و متوجهات‏ و جهات دیوان خود را به وکلاء حضرت قدسی‏پناهی جواب گویند،و در اداء آن تمرد و تخلف نورزند،از جوانب برین جمله بروند،و از فرموده درنگذرند، و همه ساله حکم مجدد نطلبند و چون به توقیع رفیع و منیع اشرف اعلی موشح‏ و موقع و محلی گردد،اعتماد نمایند.

تحریرا بالامر العالی رابع ذی قعدهء الحرام السنه‏ خمس و سبعین و ثمانمائة.الواثق بالملک الرحمان‏ حسن بن علی بن عثمان

رب اختم بالحین و الاقبال.پروانچهء اشرف اعلی به رسالت امیرزاده‏ شمس الدین محمد به وقوف بنده درگاه آل رسید.